



بازخوانی سلوک انقلابی امام خمینی: از محراب تأمیدان

سجددانش قیام بود

گفت‌وگو با آیت‌الله عابدینی، آیت‌الله تحریری، فاطمه طباطبایی، حجج‌الاسلام پناهیان، خسروپناه، وکیلی در تلویزیون همشهری

عرفان در اندیشه امام خمینی نه فقط راهی برای تهذیب نفس فردی، بلکه مسیری برای اصلاح جامعه و برهم زدن نظام‌های ظلم‌محور بود. دستگاه عرفانی امام، بر خلاف عرفان رایج که گاه در عزلت‌نشینی و باطن‌گرایی محض خلاصه می‌شد، بر یک سلوک جامع، انقلابی و تمدن‌ساز استوار بود. نقطه عزیمت این عرفان، شناخت کرامت ذاتی انسان است؛ انسانی که آینده‌دار اسماء الهی است و خداوند با آفرینش او بر خود آفرین گفته است. امام بر این باور بود که انسان مأمور به تجلی صفات جمال و جلال الهی در حیات فردی و اجتماعی خویش است.

یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم در عرفان امام، تمایز میان «حب نفس» و «عزت نفس» است. امام حب نفس را حجاب بزرگ انسان و مانع ظهور کمالات الهی می‌دانست. این حب، زائیده جهل و وسوسه شیطان است و انسان را به خودپرستی و دنیاگرایی می‌کشاند. در مقابل، عزت نفس، ثمره معرفت و ظهور عقل است و سالک را به ساحت توحید و آزادی از اسارت نفس می‌رساند. عرفان امام، سلوکی برای عبور از خود و فنا در حق بود، نه تثبیت من متورم. از این‌روست که توصیه مکرر او به کسب علم و شناخت باطنی، راهی برای خرق حجاب‌های ظاهری و رسیدن به باطن نورانی انسان تلقی می‌شود.

اما عرفان امام در همین جا متوقف نمی‌شود. این عرفان در ساحت سیاست و اجتماع حضور دارد و مبارزه با ظلم را از نتایج طبیعی سلوک می‌داند. امام با همین منطق، در برابر حکومت‌هایی ایستاد که بر پایه حب نفس و خودکامگی شکل گرفته بودند. فریضه‌هایی مانند نماز، نه فقط اعمالی فردی، بلکه فرصتی برای تحقق مراتب توحید، سیر در مراتب فنا و بقا و زمینه‌ای برای تربیت جامعه توحیدی به شمار می‌رفتند. تفسیر امام از سوره حمد و اذکار نماز، نشان می‌دهد که حتی یک رکعت نماز می‌تواند خلاصه‌ای از کل هستی و راه انسان به سوی خدا باشد.

ویژگی برجسته عرفان امام، جمع میان شریعت، طریقت و حقیقت بود. او نشان داد که یک فقیه نیز می‌تواند عارف باشد و سلوک نه از درون خانقاه بلکه از متن انقلاب قابل پیگیری است. امام با عمومی‌سازی عرفان، آن را از دایره خواص به متن امت کشاند؛ عرفانی که در سیاست، مقاومت، اقتصاد، جنگ و آموزش نیز جاری شد.

امام بر این باور بود که اگر عرفان، مردمی و مسئولانه نباشد، ناقص است. لذا دغدغه اصلی او، رساندن ندای توحید به گوش همه انسان‌ها بود؛ از نامه به گورباچف تا توصیه به فرزندش برای دستگیری از مردم. این عرفان، نه تنها راه سلوک انسان، بلکه مبنای مشروعیت حکومت و مبارزه با استکبار است. امام نشان داد که نقطه آغاز مبارزه جهانی، تصفیه نفس است و نقطه اوج آن، برپایی حکومت عدل بر پایه توحید. در این گزارش، به دیدگاه ۵ تن از کارشناسان متخصص در حوزه شناخت عرفان خاص معمار کبیر انقلاب پرداخته شده است که در ادامه تقدیم می‌شود.

